

برگزاری متفاوت هشتمین دوسالانه ملی مجسمه سازی در گپ و گفتی با عباس مجیدی

نمایشی از فرآیند انجام اثر

مریم سادات گوشه خبرنگار

هشتمین دوسالانه ملی مجسمه‌سازی تهران قرار است ۲۱ آذرماه امسال در پهنه رودکی به مدت ۲ ماه برگزار شود. این دوسالانه که پیشتر به خاطر مشکلاتی برگزار نشده بود، اکنون با توجه به شرایط کرونا با رعایت نکات بهداشتی در پیاده‌گذر استاد شهریار، فضای بیرونی تالار وحدت، طبقات و نیم طبقه‌های تالار وحدت برگزار خواهد شد.

دوسالانه هشتم با تکیه بر اهداف و رویکردهای خود به نمایش آثار هنرمندان در حوزه‌های مرتبط با مجسمه‌سازی، پروژه‌های میان رشته‌ای و نیز ارائه پروژه‌های کیورتوری، کیورتورال و آرشویی می‌پردازد. عباس مجیدی رئیس هیأت مدیره

انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران در مورد دلایل به تعویق افتادن برگزاری این دوسالانه به «ایران» می‌گوید: «هر دوسال یکبار دوسالانه ملی مجسمه‌سازی برگزار می‌شود که البته با توجه به تأخیری که ما داشتیم بعد از سه سال هشتمین دوره دوسالانه برگزار خواهد شد. دلایلش هم این است که ما سال گذشته شروع کردیم و خیلی جدی و مستمر پیش می‌رفتیم، جریاناتی پیش آمد که آن را به تعویق انداخت. البته کرونا هم مزید بر علت شد. دوم اینکه فضای ما هم تغییر کرد. فضای ما کانکس محور بود. این دوره از دوسالانه شهریار، فضای بیرونی تالار وحدت، طبقات و در فضای تپه‌های عباس‌آباد.»

او در ادامه در مورد مکان برگزاری این دوره از دوسالانه افزود: «قرار بود این دوره

خیلی متفاوت‌تر از دوره‌های قبل برگزار شود. ما از فضای موزه بیرون کشیدیم و به فضای باز روی آوردیم. خواستیم با مخاطب تعامل بیشتری ایجاد کنیم. فرآیند انجام اثر را حتی در برخی کارها نشان دادیم که متناسب با زمینه باشد و زمینه محور باشد. با توجه به مشکلاتی که پیش آمد بخصوص شیوع کرونا باعث شد که برگزاری نمایشگاه به تعویق بیفتد و ما نتوانیم در آن فضا کار را انجام دهیم. با گزینه‌های مختلفی که داشتیم مثل دانشگاه تهران در نهایت به پهنه رودکی رسیدیم. الان بنا بر این است که ۲۱ آذرماه این برنامه را در پهنه رودکی داشته باشیم. همچنان که معتقدیم برخی کارها باید در فضای بیرونی باشد. البته دغدغه ما از ابتدا هم بر این اصل بود که زمینه محور و در



تعامل با مخاطب باشد.»

مجیدی در ادامه در مورد نحوه برگزاری نمایشگاه با توجه به شیوع بیماری کرونا تصریح کرد: «سعی می‌کنیم با فاصله‌گذاری بین آثاری که در فضای تالارها هستند و یا در فضاهای بیرونی پروتکل‌های بهداشتی را حفظ کنیم تا مخاطب به راحتی بتواند از نمایشگاه بازدید کند و تمهیدات را هم متناسب با زمان هر آنچه که باید باشد، انجام خواهیم داد. هم تمهیدات بهداشتی

را رعایت خواهیم کرد و هم تمهیدات فرستادن افراد به شکل گروه‌های کوچک. در فضای عمومی قطعاً امکان بازدید راحت‌تر است، اما در فضای بسته با رعایت بیشتر پروتکل‌ها این بازدید صورت خواهد گرفت.»

او در مورد برنامه‌های این دوسالانه و نحوه برگزاری‌اش تصریح کرد: «ما فرستادن افراد به شکل گروه‌های کوچک. در فضای عمومی قطعاً امکان بازدید راحت‌تر است، اما در فضای بسته با رعایت بیشتر پروتکل‌ها این بازدید صورت خواهد گرفت.»



را انجام دهیم. در عین حال برخی آثار که متناسب با باغ کتاب بود و اکنون هنرمندان با یکسری تغییرات در آثار آن را متناسب با فضای پهنه رودکی به نمایش خواهند گذاشت. در عین حال ما سعی می‌کنیم که مستندنگاری‌هایی صورت بگیرد. آنهایی که به بی‌پنال راه یافته‌اند فرآیند کارهایشان انجام خواهد شد.»

مجیدی در پایان درخصوص حمایت این دوسالانه از آثار هنرمندان افزود: «تمام

نویسنده و کارگردان تئاتر اندیشگی در گفت‌وگو با «ایران»:

تئاتر هنر پستوخانه‌ای نیست

محسن بوالحسنی خبرنگار

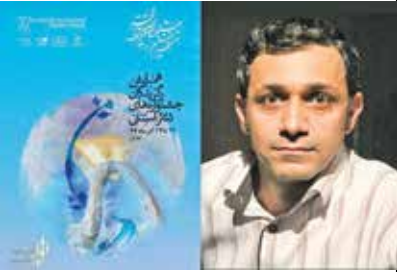
مهدی آشوغ نویسنده و کارگردان تئاتر اندیشگی از سال ۸۴ فعالیت مستمر تئاتری را آغاز کرد و تا امروز بیش از ۱۵ نمایش را نویسندگی و کارگردانی کرده و چندین و چند دوره به‌عنوان نویسنده و کارگردان برتر استان خوزستان معرفی شده و در سطح کشور هم جوایز بسیاری کسب کرده است. او در گفت‌وگو با «ایران» از دغدغه‌های این روزها و انتظاراتی که به‌عنوان یک نویسنده و کارگردان تئاتر دارد می‌گوید.

■ **کمی از فعالیت‌های خود پیش و پس از دوران کرونا بگویید و وضعیت تئاتر استان را از زاویه دید خودتان به‌عنوان یکی از فعالان حوزه نمایش شرح بدهید...**

تکته ابتدایی این است که معمولاً فصل فعالیت در تئاتر استان‌ها با سررسید و زمان برگزاری جشنواره‌ها تنظیم می‌شود و پیش از کرونا خب طبیعتاً به فکر تولیدات جدید و حتی پیش تولید جدید بودیم که با پیش آمد کرونا متوقف شد. در تئاتر استان‌ها دو فصل همیشه وجود دارد یکی فصل تولید برای جشنواره و دیگری فصل ارائه تولیدات جشنواره‌ای برای مخاطبان بومی. نیمه اول سال تولید آثار و نیمه دوم سال شرکت در جشنواره‌ها و اجرای آثار. این دو فصل مشترک هم نقطه ضعف و هم نقطه قوت محسوب می‌شوند. یکی از نقاط قوت، تولید بسیار بالای آثار در استان‌ها خارج از بحث کیفی است که می‌توان گفت تئاتر استان‌ها در بسیاری از نمایش‌ها به دلیل انگیزه موقعیت در جشنواره‌ها و دیده شدن و راهیابی گروه‌ها به جریان اصلی تئاتر در مرکز اغلب به دنبال تولیداتی فکر شده با شیوه‌های نوین اجرایی هستند؛ چون انگیزه دیده شدن باعث خلاقیت می‌شود و نقطه ضعف بسیار مهم، ساخت و تولید آثاری است که متناسب با نیاز جامعه بومی و اقلیمی گروه‌ها نیست و هدفشان موقعیت در جشنواره‌هاست و به همین دلیل برای همین ارتباط گروه‌های استانی با مخاطبان استانی خود خیلی کم است. با این مقدمه به نظر می‌رسد که این روزها، اکثر گروه‌ها در یک سکوت مطلق و کمی تئاتری فرو رفته‌اند. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم که بیشترین صدمه را هم همین گروه‌های نمایشی و تئاتری در حوزه فرهنگ و هنر متحمل شده‌اند. اصلی‌ترین خاصیت هنر تئاتر ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با مخاطب است و این مساله از اواخر بهمن ما تا امروز با چالش جدی مواجه شده و از طرفی دیگر همین مساله باعث شده برای بخش گسترده‌ای از هنرمندان تئاتر که تنها از راه اجرا و تولید آثار نمایشی و شرکت در جشنوار،ها ارتزاق می‌کنند شرایط اصلا مناسب نیست.

■ **به عقیده شما، چه مشکلاتی در تئاتر استان‌های ما وجود دارد که کمی مساله را نسبت به تئاتری که در شرایط عادی در تهران وجود دارد، متفاوت می‌کند؟**

ببینید تئاتریکی از شاخص‌های مهم فرهنگی یک جامعه پیشرفته و رو به پیشرفت است و برای سنجش فرهنگ یک شهر کافی است تعداد فرهنگسراها، سینماها و سالن‌های تئاترش را در نظر بگیریم و داشتن سالن‌های فرهنگی یک مطالبه شهری برای شهروندان هر جامعه فرهنگ‌دوستی است. با این همه بسیاری چون من طبق تجربه و زیست شخصی معتقدیم تئاتری‌ها در شهرسازان‌های مختلف با کمبودهای بسیاری روبه‌رو هستند و نیازمند توجه جدی به وضعیت طبیعی که در آن به سر می‌برند. طبیعی است که سالن نامناسب برای اجرا طبیعتاً زیرنش مخاطب را به همراه



خواهد داشت و حالا فکر کنیم یک گروه نمایشی شهرستانی با تمام مصائب که دارد اثری را تولید می‌کند و نمی‌داند اثرش با چه شرایطی روی صحنه خواهد رفت و چه تعداد مخاطب خواهد داشت؛ دلایلش هم همان طور که به آن اشاره کردم یکی عدم در اختیار داشتن سالن‌های استاندارد نمایش است. چطور می‌شود در این شرایط انتظار داشت که هنرمند بیاید و کسانی را پرورش بدهد که تئاتر را در استان‌ها زنده نگه دارند و از میراثی که در اختیارشان قرار گرفته پاسداری کنند. ما سخنران لازم را داشته‌ایم و انتظار داریم که هنرمند همه کارها را به تنهایی انجام دهد و هیچ حمایتی هم نداشته باشد. دنیای هنر، مرزهای نیست که بشود خلق‌الساعه از آن انتظار باوروی داشت و در این زمین باید بذری کاشته شود و با مراقبت درست و اصولی، درآینده در انتظار ثمره‌اش بود اما چنین چنین آن طور که ایده‌آل است نامسافانه وجود ندارد. هنرمند استعدادی ذاتی دارد که باید مسیر درست پرورش پیدا کند تا درختی به‌ثمره تبدیل شود و همه این‌ها، الزاماتی هستند که باید در نظر گرفته شود. حال، وقتی مساله بزرگی مثل کرونا هم پیش می‌آید تمام مشکلات، ۱۰ برابر می‌شوند و واقعاً هنرمند را مستاصل می‌کنند و آینده‌ای نامعلوم را روبه‌روی آن قرار می‌دهند.

■ **دغدغه‌این روزهای شما به‌عنوان یک هنرمند چیست؟**

مهم‌ترین دغدغه‌این روزهای ما هنرمندان تئاتر و سؤالی که دارند شاید این باشد که چه زمانی می‌توانیم به شرایط عادی بازگردیم و ترس دیگری که این روزهایشان را با آن می‌گذراندند شرایط نامناسب اقتصادی است. مسلماً در چنین شرایطی اولین چیزی که از سید هزینه‌های خانوار حذف می‌شود هزینه اقلام فرهنگی است و این آسیب مستقیماً منجر به حذف فرهنگ و هنر خواهد بود. مردم به سیمنا نمی‌روند، تئاتر نمی‌بینند، کنسرت نمی‌روند، کتاب نمی‌خرند... چیزی که شاید ما شهرستانی‌ها خلا و آسیبش را بیشتر هم حس می‌کنیم برگزار نشدن جشنواره‌هاست. خلاصه‌اش را اگر بگوییم این روزها دغدغه‌ها بسیار و زمان بسیار کم است

■ **چه انتظاری از مدیران فرهنگی دارید؟**

ما طبق عادت حداقل‌ترین‌ها توقعات و انتظارات را داریم. یکی مهیا کردن بستر و مجالی برای دیده شدن آثار تولید شده ما در مرکز است یا اختصاص یک یا چند سالن مناسب در طول سال به گروه‌های منتخب شهرستانی برای اجراهای طولانی مدت در صورت داشتن مخاطب در تهران. تئاتر هنر پستوخانه‌ای نیست. اثر خوش ساخت نمایشی اگر درست دیده نشود مثل بچه ناقص الخلقه‌ای خواهد بود که باعث عذاب و زجر والدینش خواهد بود و بی‌هیچ اغراقی باید بگوییم که چه بسیار نمایش خوب اما دیده نشده که در شهرستان‌ها و استان‌ها مورد غفلت واقع شد.

به مناسبت آیین تکریم و رونمایی سردیس و خیابان محمدعلی اسلامی ندوشن در تهران

آنچه از اسلامی ندوشن آموختیم...

انس و الفتم با گنجینه‌های ادب فارسی که با خوش طبعی و شورانگیزی معلم ادبیات دبیرستانمان شروع شد و بلافاصله با اشارت اوبه آثار شاهنامه‌پژوهی اسلامی ندوشن پیوند خورد، موجب شد تا علاوه بر تاریخ باستانی و ادب حماسی فارسی، با راه و رسم زندگی انسانی و مرام پالوده و عیارمندی که این نویسنده از دل شاهنامه به‌دست می‌داد آشنا شوم؛

خردمندی، درست پیمانی، نیکنامی، آزادگی، بی‌آزاری و... شاه‌بیت «زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه» بود. حکایت تاریخی بشر در رزمگاه آزادی و اسارت، نام و ننگ، پیری و جوانی، کهنه و نو، تعقل و تعبد، تقدیر و اختیار و... را در رویارویی رستم و اسفندیار که «داستان داستان‌های شاهنامه راوی آن بود، بازخواندم و رگه‌های روشنی از هویت انسان ایرانی را در سایه «سروایه فکن» اسلامی ندوشن بازجستم.

در «باغ سبز عشق» مولانا، رایحه دماغ پروری از گلپوته‌های عشق و اشراق و عرفان، استشمام کردم که بسیاری از افتراقات خودساخته‌بین انسان‌ها را در نزد من بی‌اعتبار کرد و قدری از مفهوم وحدت وجود و یگانگی آدمیان را در عین چندگانگی ظاهریشان، برایم آشکار ساخت.

اسلامی ندوشن تأکید داشت که واقع‌گرایی، انسان دوستی و سخن‌سنجی ناقدهانه و اصلاح‌جویانه و اعتدال‌گرای سعدی را که کاشف زیبایی‌ها این قومی است که از زبان نارسایی‌هایشان نیز ابا نوزیده‌یاد با روشن‌بینی و یکرنگی حافظ به هم آمیخت تا راه و رسم زندگی عملی به‌دست آید.

او وجوه زیبایی‌شناختی اشعار حافظ را از حیث موزونیت لفظ و معنی و تلذذ معنوی، چنان عیان کرد که شارار صبری و موسیقایی آن غزل‌های ناب را در هنرهای دیگری چون خوشنویسی و موسیقی و... نیز بهتر درک کنیم.

بی‌اعتباری جهان و ناهمواری و کوتاهی عمر که برای جبرانش باید فرصت‌های کوتاه عمر را مغتنم داشت نکاتی بود که از مقالات خیامی اسلامی ندوشن به دست آوردیم و در مجموع در مؤانست با آثار ادبی دکتر اسلامی دریافتم که شعر فارسی با بیش از هزار سال، ذخیره حیرت‌آوری که از معنایی گوناگون در خود نهفته دارد و با موزون کردن کلام و مدیدن جان در تن لفظ، یکی از ناب‌ترین گوه‌های‌گشودن راز زندگی، جستن اکسیر داندانی و چیره شدن بر تاریکی‌های دوران است. اما قنارغ از گلگشتی که به‌واسطه آثار او در بوستان مصفاى ادب فارسی داشتیم. در همین زمانه‌ای که در ساماندهی کشور میان صاحب‌نظران بر سر تقدم توسعه سیاسی یا اقتصادی مناقشه پایان‌ناپذیری بود. بارها، با او به گفت‌وگو در امور فرهنگی و اجتماعی نیز نشستیم و از او خواندیم و شنیدیم که تا تغییرات بنیادی در فرهنگ جامعه پدید نیاید، هیچ سامان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هم به پایداری نمی‌رسد.

از این‌رو در درمان آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی نظیر فقر فرهنگی، بی‌نظمی اجتماعی، آموزش عقیم، مادی‌گرایی، چندچهرگی، و تزلزل اخلاقی و... به اصلاح بنیث شهروندان به پشتوانه منابع ذخار فرهنگی و ادبی، می‌انديشيدم و در هر موقعیت و اشتغالی که با یافتم، از فعالیت‌های فرهنگی و ادبی غفلت نوزیدم و علاوه بر قلمزنی در حوزه فرهنگ و اجتماع دراهتمام به برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری، فرگودار نبودم.

عشق به ایران فرهنگی و دل سپردگی به همه غم و شادی‌های این سرزمین را اسلامی ندوشن به جانم انداخت تا از سیر و سفر تا تحقیق و پژوهش در آن باز نمانم. او ایران را فراتر از یک قلمرو خاکی و قنارغ از تعصبات قومی و ملی، یک دیفنه پربهای تاریخ و ادب و فرهنگ می‌دانست که باید با بهره‌گیری از دانش جدید و به اتکای پیشینه حکمت‌آموز خویش، راه رشد و توسعه در پیش گیرد. وی که در مواجهه سنت و مدرنیزم راه میانه‌ای برگزیده بود، همزمان که از اوادگای فرهنگی و فرنگی‌مآبی انذاری می‌داد به واپس‌گرایان و جزم اندیشان قومی نیز نهیب می‌زد که بدون توسل به دانش روز، هر حرکتی راه به بادیه سپردن است.



مهدی آشوغ

اسلامی ندوشن در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ که بسیاری از روشنفکران با جانب سرمایه‌داری غرب می‌ایستادند و با سوسیالیسم شرق را بهشت موعود خود می‌دیدند. در بازشناسی این مکاتب غالب زمانه به امریکا، شوروی و چین سفر کرد و سفرنامه‌هایی نوشت که زوایای پیدا و پنهان فرهنگ غرب و شرق را روشن می‌کرد و حتی در رازگشایی کراهات و کرامات آنها، از نوشتن داستان و نمایشنامه‌هایی که «افسانه و افسون» و ماهیت ابرارود ذات و زمانه‌شان را آشکار می‌کرد، نهراسید. تألیفاتی که بیش از هر اثر علمی و پژوهشی دیگر در شناخت ماهیت و آثار این مکتب‌های فکری جهان معاصر خواننده عام را به‌رمهندمی ساخت.

تبیین و تحذیر فرهنگ عمومی ایران در قالب انتشار مقالاتی که دائماً پژواک «ایران را از یاد ببریم» و «سخن‌ها را بشنویم» در خود داشت و نقدهای فرهنگی، اجتماعی که بر آشفتنگی رفتار عمومی جامعه ایرانی می‌رفت ضمن آگاهی از واقعیت‌های اجتماعی تأملاتی جدی در جستن راه حل‌های عملی اصلاح امور را پیش می‌آورد و مسئولیت اجتماعی شهروندان ایرانی را در ترمیم ناگواری‌های فرهنگی و اجتماعی گوشزد می‌کرد.

اسلامی ندوشن که دانش آموخته حقوق بین‌الملل بود و «پیروزی آینده دموکراسی» را از توماس مان ترجمه کرده و از «ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم» نیز درنگشته بود، ضمن تبیین مبادی حقوق اساسی، آزادی و دموکراسی، دیدگاه‌هایی آزاداندیشانه از بزرگان ادبی ایران را نیز پیش می‌آورد تا نشان دهد که در گنجینه‌های ادب ملی نیز رشحات مداراجویی و آزادی خواهی و... وجود دارد که به جهت مبانی انسانی آن می‌تواند در تعمیم توسعه برخی از حقوق بنیادین بشر مؤثر افتد و می‌گفت؛ حافظ روشن ضمیر، ششصد سال پیش سروده است: «مباش در پی آرزو و هر چه خواهی کن... که در طریقت ما غیر از این گناهی نیست.»

از این روشا‌هکارهای زبان فارسی نزد اسلامی ندوشن همواره منبع الهام عمیق‌ترین مفاهیم زندگی بودند: «کمتر زبانی در جهان از این غنای فکری و پوییش برای شناخت زندگی، مرگ و... برخوردار بوده است. زندگی چیست؟ آمدن و چندی گذراندن و در کام نیستی فرو رفتن؟ آنچه می‌ماند، این لایه‌هاست، تبخیر روح، احساس و انسانیت که در آثار بزرگ زبان فارسی منعکس شده است، و این توانسته بی شخصیت معنوی بسیار عمیق به این کشور ببخشد، و این در سرزمینی به نام ایران شکل گرفته و در کالبد زبان فارسی که برای ما بزرگ‌ترین سرمایه است، و ترجمان و چکیده تاریخ ما را در خود دارد.»

اذعان می‌کنم از نیمه دهه هفتاد تاکنون هرگاه در مراده و همصحبتی با اسلامی ندوشن از هر دری که با او سخن گفتم، او از خزانه ادبی این سرزمین، کلام روشن‌تری چاشنی